

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی یری میسان
برگردان و افزوده از: حمید محوی
۲۴ مارچ ۲۰۱۷

افشاگری : جهاد طلبی نزد لافارژ-هولسیم

به مناسبت انتشار کتاب «زیر چشمان ما، از ۱۱ سپتمبر تا دولاند ترامپ» نوشته تی یری میسان، ما درباره گزارشات موجود در این کتاب یک سری مقاله منتشر خواهیم کرد.
در ادامه مصاحبه با ژان لوک ملانشون طی بحث و جدل پیرامون موضوع انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه، ما با سرگذشت واقعی لافارژ و هولسیم در سوریه آغاز می کنیم .

شبكة ولتر/دمشق(سوریه)/۲۳ مارچ ۲۰۱۷



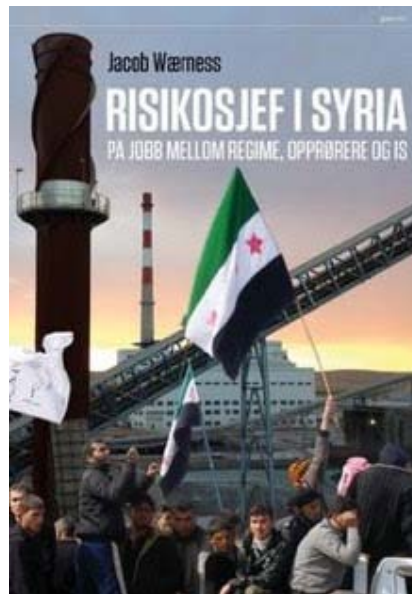
۲ مارچ ۲۰۱۷، شرکت لافارژ و هولسیم اعتراف کرد که شبکه مستقر در سوریه «مبالغی به افراد خارجی (خارج از کارمندان شرکت) پرداخت کرده است تا راهی برای توافق با گروه های مسلحی که در وضعیت تحریم به سر می بردند جست و جو کنند. هدف این بود که امنیت عبور مرور کارمندان و تدارکات از کارخانه و به کارخانه را تضمین کنند» (۱).

از هم اکنون، شرکت مصالح ساختمانی روی دو موضوع مورد باز پرسى قرار گرفته است. نخستین موضوع به ابتکار انجمن SHERPA (مستقر در پاریس که در سال ۲۰۰۱ به هدف حمایت و دفاع از مردمانی بنیانگذاری شد که قربانی جنایات اقتصادی هستند) و ECCHR (European Centre for Constitutional and Human Rights) مرکز اروپایی برای قانونگذاری و حقوق بشر) در ۱۵ نومبر ۲۰۱۶، در حالی که دومین موضوع از سوی وزارت

اقتصاد فرانسه مطرح گردید. واکنش هر دو مربوط بود به افشاگری روزنامه لوموند که البته در واقع گزارشی تحریف شده بود. بر اساس گزارش روزنامه لوموند: لافارژ خلاف منشور سازمان ملل متحد به حساب داعش پول پرداخت کرده است.

باید یادآوری کنیم که مقالاتی که در ۲ مارچ در Intelligence Online (نامه محرمانه متعلق به روزنامه لوموند) و در خود روزنامه لوموند در ۲۲ جون، به دست روزنامه نگاری خارج از جمع روزنامه نگاران این روزنامه، به نام دوروتی میریم کلو Dorothy Myriam Kellou نوشته شده بود. این زن جوان در دانشگاه جرجتاون Georgetown که به دلیل پیوندهایش با سازمان سیا شهرت دارد تحصیل کرده و کارمند مطبوعاتی در سفارتخانه فرانسه در اورشلیم بوده است.

این مقاله ها در کتاب جاکوب ویرنس Jacob Waerness، 'Risikosjef i Syria'، تأیید شده، و همین کارمند قدیمی وضعیت وخیم امنیتی کارمندان لافارژ را در سوریه ترسیم کرده است. نویسنده پس از انتشار کتابش همکاری خود را با شرکت مصالح ساختمانی ادامه می دهد.



افشاگری روزنامه لوموند با صحنه پردازی ساختگی در تبانی با شرکت لافارژ و هولسیم به شکلی تنظیم شده بود تا نگاه افکار عمومی و قضات را روی مسائل جزئی جلب کند: باید تصمیم می گرفتیم که به داعش باج بدهیم یا نه. ولی حقیقت وخامت اوضاع را در سطح دیگری نشان می داد.

تدارک جنگ علیه سوریه

در جون ۲۰۰۸، ناتو گردهمایی سالانه گروه بیلدبرگ را در شاننتیلی (در ایالات متحده امریکا) سازماندهی کرد که در کوران آن هیلری کلینتن و بارک اوباما به شرکت کنندگان پیوستند.

بین ۱۲۰ شرکت کننده حاضر **بسمه قضمانی** (سخنگوی آینده اتحاد ملی سوریه) و والکر برتس Volker Perthes (دستیار آینده جفری فیلتمن Jeffrey Feltman در ملل متحد برای امور سوریه) نیز حضور داشتند. این افراد طی بحث درباره تداوم سیاست خارجی ایالات متحده مداخلاتی داشتند تا معرف اهمیت گروه برادران مسلمان (به زبان

عربی اخوان المسلمین) باشند و روی نقشی که این گروه می تواند در «دموکراتیزاسیون» جهان عرب بازی کند پا فشاری کنند.

ژان پئیر ژوئیته Jean-Pierre Jouyet (دبیر اول کاخ الیزه)، مانوئل والس Manuel Valls (نخست وزیر آینده) و برتراند کولمب Bertrand Collomb (کارفرمای لافارژ) کنار هانری کراویس Henry R.Kravis (مدیر عامل شرکت کوهلبرگ کراویس رابرتس، بازرگان امریکائی و هماهنگ کننده آینده امور مالی داعش). در آن جمع بود.

لافارژ در سوریه

لافارژ پیشگام در زمینه سیمان سازی در سطح جهانی ست. ناتو ساخت سنگرهای زیر زمینی برای جهاد طلبان در سوریه و به همین گونه در بخش سنی مذهب عراق را به شرکت لافارژ سفارش داد. در ازای آن، لافارژ مدیریت سامانه هایش را در این دو کشور به اتحادیه ناتو واگذار کرد، به ویژه کارخانه جلیبه (در مرز ترکیه در شمال حلب). طی دو سال، شرکت چند ملیتی برای استحکامات عظیم زیر زمینی مصالح ساختمانی تدارک دید و به جهاد طلبان اجازه داد تا علیه ارتش عرب سوریه بجنگند.

لافارژ از این پس توسط اریک اولسن Eric Olsen امریکائی مدیریت می شود که کارخانه های برادران ساویریس (میلیاردرهای مصری) و فیراس طلاس (معامله گر سوری) را به شرکت ملحق کرد. فیراس طلاس پسر جنرال مناف طلاس که فرانسه در آرزوی رساندن او به ریاست جمهوری آینده در سوریه بود. او در عین حال برادر ناهد طلاس عجه بیوه اکرم عجه تاجر اسلحه تبعه عربستان سعودی است که با روزنامه نگار فرانز اولیویه ژیبیرت-Franz Olivier Giesbert کار می کند.

مناسبات بین لافارژ و نیروهای ویژه فرانسوی به نیک بختی دوستی بین برتراند کولمب (که به ریاست افتخاری شرکت چند ملیتی مفتخر شد) و جنرال بنوا پوگا (فرمانده مرکز فرماندهی در ریاست جمهوری سرکوزی و هولاند) با سهولت بیشتری ممکن گردید.

دروغ روزنامه لوموند

در نخستین وهله، روزنامه آنلاین مزدوران ضد سوری زمان الوصل برای افشای پرداخت پول از سوی لافارژ به حساب داعش ایمیل هائی را منتشر کرد. در وهله دوم، روزنامه لوموند مقاله های خودش و پرونده های زمان الوصل را از سایت اینترنتی خودش حذف کرد (با وجود این مطالب حذف شده در سایت ما موجود است).

به گفته روزنامه لوموند، شرکت چند ملیتی برای گرداندن کارخانه برای خودش نفت تهیه می کرده. ولی چنین امری ناممکن است زیرا سوخت کارخانه با ذغال تأمین می شود که آن را نیز ترکیه تحویل می دهد. بی آن که به دروغی به این بزرگی توجه کنند، روزنامه لوموند اعتراف می کند که لافارژ سالانه ۳ میلیون تن سیمان برای «مناطق شورشی» تولید می کرده است.

زیرا در کوران این جنگ دهشتناک، شهروندان در این مناطق قادر به ساخت هیچ ساختمانی نبوده اند.



سربازان داعش در کارخانه لافارژ و هولسیم در حلبیه (سوریه)

ساخت سنگرهای جهاد طلبان

۳ میلیون تن سیمان در سال در طول بیش از دو سال، یعنی ۶ میلیون تن سیمان برای «شورشیان» تولید شده است. واژه «شورشیان» را داخل گیومه نوشتم زیرا این مبارزان از اهالی سوریه نیستند، بلکه از همه نواحی جهان اسلام و حتی اروپا به سوریه آمده اند.

این حجم از سیمان با حجمی که رایش المان در سال ۱۹۱۷-۱۹۱۶ برای ساخت خط زیگفرید به کار برد مقایسه پذیر است. از جولای ۲۰۱۲، ناتو، از جمله فرانسه، جنگ سنگر را همان مطابق ستراتیژی که ابو مصعب (نظریه پرداز جهاد طلب) در کتابش به نام «مدیریت بربری» (به زبان عربی «ادارة التوحش») در سال ۲۰۰۴ ترسیم کرده است. بی گمان، می توانیم تصور کنیم بسیج چه تعداد مهندس نظامی ناتو از جمله مهندسين فرانسوی برای ساخت این مجموعه سنگرها ضروری بوده اند.

لافارژ، کلینتن و سازمان سیا

در کوران سالهای ۱۹۸۰، لافارژ در جریان دادگاهی شدنش به دلیل آلودن محیط زیست در آلاباما، وکیل مدافع شهیر او هیلری داین رادام کلینتن موفق شد جریمه اعلام شده توسط آژانس حفاظت از محیط زیست را فقط به ۸،۱ میلیون دالر تنزل دهد.

در دوران ریاست جمهوری جرج بوش، لافارژ با حمل غیر قانونی جنگ افزار به عراق برای سازمان سیا خدمات ارزنده ای انجام داد، زیرا این جنگ افزارها بعداً وقتی که عراق کویت را تسخیر کرد و سپس اتحادیه بین المللی برای آزادی آن اقدام نمود، باید در اختیار شورشیان قرار می گرفت.

در همان دوران، هیلری داین رادام کلینتون به مقام مدیر شرکت چند ملیتی ارتقاء یافت و پس از گزینش همسرش برای ریاست جمهوری این مقام را ترک کرد. بیل کلینتون رئیس جمهور ایالات متحده جریمه ای که همسرش نتوانسته بود شرکت لافارژ را از آن مبرا کند، به ۶۰۰۰۰۰۰ دلار کاهش داد. مناسبات خوب آنان ادامه می یابد زیرا شرکت ۱۰۰۰۰۰۰ دلار به حساب بنیاد کلینتون در سال ۲۰۱۵ پرداخت کرده بود و مدیر کل آن اریک اولسن نیز برای عکس یادگاری با هیلری کلینتون تردیدی به خود راه نداده بود.

مداخله نظامی روسیه

جهاد طلبان در سنگرهایشان از ارتش عرب سوریه هیچ باکی نداشتند و بی هیچ مشکلی در مواضع خود ایستادگی می کردند. طی دو سال کشور به دو بخش تقسیم شد، دولت سوریه برای حفاظت از مردم اولویت قائل شد و در نتیجه زمین بازی آنان را رها کرد.

وقتی روسیه به درخواست دولت سوریه دست به عملیات نظامی زد، مأموریتش تخریب سنگرهای زیر زمینی جهاد طلبان با بمب های سنگر کوب بود. عملیات می بایستی سه ماه به طول بینجامد، از سپتامبر ۲۰۱۵ تا نوئل اورتدکس (۶ جنوری ۲۰۱۶)، ولی وسعت ساخته های لافارژ و هولسیم بیش از آن چیزی بود که تخمین زده شده بود و ارتش روسیه برای تخریب سنگرهای زیر زمینی به ۶ ماه نیاز داشت.

نتیجه

وقتی شرکت فراملیتی لافارژ و هولسیم مأموریتشان را برای مهندسی نظامی ناتو به پایان رساندند، کارخانه خودشان را بستند و آن را به اتحادیه ناتو سپردند. کارخانه جلیبه به مرکز فرماندهی نیروهای ویژه ایالات متحده، فرانسه، ناروی و انگلستان تبدیل شد که شمال سوریه را به شکل غیر قانونی در تصرف خود گرفته بودند. خلاف دود استتاری که روزنامه لوموند پراکنده بود، موضوع داستان غم انگیز شرکت ساختمانی نبود که گوئی برای نجات جان کارمندانش مجبور شده بود با جهاد طلبان مذاکره کند. مسؤلیت لافارژ و هولسیم، نقش مرکزی آنان در عملیات نظامی گسترده برای تخریب سوریه است، یعنی بر پا کردن جنگی سرّی که تا کنون به بهای جان صدها هزار انسان انجامیده است.

Thierry Meyssan

[1] « Communiqué de Lafarge-Holcim sur ses activités en Syrie », Réseau Voltaire, 2 mars 2017.

پی نوشت مترجم:

در این تحلیل دو نکته از دیدگاه من حائز اهمیت است، ابتداء موضوع دروغ رسانه یعنی تحریف رویدادها در رسانه ها، یعنی همان موضوعی که هیچ گاه در نشریات و تبلیغات اپوزیسیون های ایرانی پنتاگونی و مدافعان حقوق بشر که در مجموع جریان لیبرال مدافع امپریالیست ها را در وادی ایران تشکیل می دهند جایی نداشته و کاملاً به عکس به شکل دود استتار عمل کرده است. اگر خلاف چنین واقعیتی می بود، می بایستی الگوی کمال مطلوب خودشان را، یعنی غرب پیشرفته، دموکراتیک و مهد آزادی را زیر سؤال می بردند.

دومین نکته، در واقع یک موضوع فنی و یکی از جنگ افزار هائی ست که امپریالیستها در سوریه به کار بردند ولی در هیچ یک از هزاران عکس و ویدئویی که طی سالها از جنگ در سوریه منتشر شده دیده نمی شود، و این جنگ افزار نیز همین سنگرهای زیر زمینی ست. گرچه این ساخت و سازها به مقوله دفاع غیر عامل تعلق دارد ولی از آن به مثابه پایگاه برای عملیات تهاجمی و تخریبی استفاده کرده اند و اساساً این سنگرها را باید به مثابه سلاح تهاجمی تلقی کنیم، زیرا به دست نیروهای خارجی در خاک کشوری مستقل برای تخریب و مداخله در آن ساخته بودند. علاوه بر این دو موضوع، می توانیم دست کم به یک موضوع دیگر نیز اشاره کنیم و آن هم نوع بمب هائی ست که روسیه برای تخریب این سنگرها به کار برده. در پاسخ به این پرسش من اطلاع مشخصی از نوع بمبهای روسیه ندارم، ولی می دانیم که بمبهای سنگر کوب همه از نوع اورانیوم ضعیف شده هستند، یعنی از همان انواع بمبهای اورانیوم ضعیف شده ای که ایالات متحده در عراق به کار برد. آلودگی محیط زیست به اورانیوم ضعیف شده و به همینگونه کاربرد سلاح های کیمیائی در جنگ سوریه (...). می تواند گسترش یابنده و ابدی باشد. در آینده می توانیم در انتظار به دنیا آمدن کودکان هیولائی و گسترش انواع و اقسام بیماریها در منطقه باشیم. آنانی که این سنگرها (یا بانکرها) را می ساختند، می دانستند که ممکن است روزی هدف مخالفانشان قرار گیرد. با ورود کاملاً طبیعی و پیشبینی شده بمبهای سنگر کوب (اورانیوم ضعیف شده) می توانیم بررسی کنیم که آیا جنگ در سوریه از همان آغاز یک جنگ اتمی نبوده است؟

حمید محوی

پاریس، ۲۳ مارچ ۲۰۱۷